

تأثیر سبک‌های دلبستگی، انطباق‌پذیری و پیوستگی در خانواده بر میزان تاب‌آوری و رابطه آن با احساس غم غربت در میان دانشجویان مقیم خوابگاه دانشگاه الزهراء (س)

مهناز علی اکبری دهکردی

دکتری روان‌شناسی، دانشیار دانشگاه پیام نور تهران

اشرف مهمان نوازان*

دانشجوی دکتری، رشته روان‌شناسی عمومی، دانشگاه پیام نور

علی اصغر کاکوجویباری

دکتری روان‌شناسی، دانشیار دانشگاه پیام نور تهران

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر سبک‌های دلبستگی و انطباق‌پذیری و پیوستگی در خانواده بر میزان تاب‌آوری و رابطه آن با احساس غم غربت در میان دانشجویان سال اول مقیم خوابگاه دانشگاه الزهراء (س) در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۹۳ انجام شد. پژوهش حاضر مطالعه‌ای توصیفی و از نوع همبستگی چند متغیره بود. جامعه آماری این پژوهش با استفاده از فرمول کرجسی و مورگان (۱۹۷۲)، از میان دانشجویان مقطع کارشناسی ورودی ۹۲ مستقر در خوابگاه‌های دانشگاه الزهراء (س)، نمونه‌ای به تعداد ۱۲۱ نفر بودند. ابزارهای به کارگرفته شده شامل پرسشنامه تاب‌آوری کانرو دیویدسون، مقیاس انطباق‌پذیری و پیوستگی خانواده (FACE-3)، پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان (RAAS) و پرسشنامه احساس غم غربت (HQ) بود. به منظور بررسی فرضیه‌ها، از همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره از نوع گام به گام استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین تاب‌آوری و سبک دلبستگی اجتنابی رابطه معناداری وجود دارد و می‌توان تاب‌آوری دانشجویان را با توجه به سبک دلبستگی اجتنابی آن‌ها پیش‌بینی کرد، انطباق‌پذیری و پیوستگی در خانواده، در تاب‌آوری دانشجویان مؤثر نیست، بین تاب‌آوری و احساس غم غربت دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد.

واژگان کلیدی

سبک‌های دلبستگی؛ انطباق‌پذیری و پیوستگی خانوادگی؛ تاب‌آوری؛ احساس غم غربت

* نویسنده مسئول

تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱

مقدمه و بیان مسئله

در زندگی انسان همواره مسائل و مشکلات گوناگونی وجود دارد که برخی از آن‌ها بسیار طاقت فرساست، از طرفی شیوه مواجهه همه افراد نیز یکسان نیست، در مشاهده این قبیل مردم این سؤال به ذهن خطور می‌کند که چرا برخی از افراد در برخورد با عوامل فشارزا، انعطاف‌پذیری خاصی دارند و چطور توان مقابله و مقاومت خود را حفظ می‌کنند، در حالی که برخی دیگر تحت شرایط مشابه، دچار شکنندگی روانی و رفتاری شده و عملکردهای ضعیف و ناکارآمد از خود نشان می‌دهند. گارمزی، ماستن و تلگن^۱ (۱۹۸۴) دریافتند که برخی کودکان، با وجود شرایط نامساعد، وضعیت رفتاری مناسبی دارند و هیچ مشکل رفتاری از خود نشان نمی‌دهند و این یافته‌ها موجب طرح این سؤال شد که چرا برخی از افراد تحت تأثیر عواملی که برای بسیاری از افراد دیگر، مشکلات عاطفی و روانی به وجود می‌آورند، این پیامدها را تجربه نمی‌کنند، پرسش‌های از این دست و دامنه‌ای از مشاهدات بالینی، منجر به توجه بیش‌تر به مفهوم تاب‌آوری^۲ شده است (لشنر ۲۰۰۲، به نقل از گلانتز و جانسون، ۱۳۸۶). فعالیت‌های عالمانه و اولیه افرادی چون گارمزی، راتر و ورنر^۳، موجب پیشبرد مطالعه در حوزه تاب‌آوری شد (به نقل از گارمزی، ۱۹۹۱، ورنر و اسمیت، ۱۹۹۲). تاب‌آوری موضوعی است که می‌تواند در زمینه کنش افراد آگاهی‌دهنده باشد، مفهومی است که تمرکز ما را از شکست خوردن در شرایط سخت به سوی رشد ویژگی‌های فردی، روانی و اجتماعی مثبت سوق می‌دهد (لیبن برگ و آنگار^۴، ۲۰۰۸). در اصطلاح زبان‌شناسی، واژه تاب‌آوری به تمایل یک شیئی برای بازیابی شکل و ساختار خود، پس از آن که تحت تأثیر فشار، تغییر شکل یافته باشد، اشاره می‌کند (استرامپفر^۵، ۲۰۰۳). مولر و لوو^۶ (۲۰۰۴)، تاب‌آوری را، توصیف مجموعه‌ای از خصوصیات پرورش‌دهنده انطباق موفقیت‌آمیز و تحول، به‌رغم وجود عوامل خطر، تعریف می‌کنند. فریبرگ^۷ (۱۹۹۴)، تاب‌آوری را به عنوان توانایی واکنش فعالانه^۸ در مقابل واکنش

1. Garmezy, Masten & Tellegen
2. Resiliency
3. Rutter & Werner
4. Libenberg & Ungar
5. Strumfer
6. Muller & Louw
7. Freiberg



منفعلانه^۲ در موقعیت‌های پیچیده تعریف می‌کند (کاپلان^۳، ۱۹۹۹).

امروزه پرورش تاب‌آوری و افزایش آن در میان جوانان و بزرگسالان مورد توجه زیادی است از آن جمله می‌توان به این موضوع اشاره کرد که ورود جوانان به دانشگاه و شروع زندگی دانشجویی، مواجهه با تغییرات گوناگون و زندگی جدید است. انتقال از دبیرستان به دانشگاه، تغییر در سبک‌های آموزشی، مواجهه شدن با انتظارات و موقعیت‌های جدید را در پی دارد. انتقال از شهری به شهر دیگر و زندگی در خوابگاه، دوری از خانواده و متعلقات آن از چالش‌های جدی برای عده‌ای از دانشجویان تازه وارد به دانشگاه است. لذا انطباق و سازگاری موفقیت‌آمیز با این موقعیت‌های جدید، مستلزم دارا بودن توانایی و مهارت‌های لازم است که جهت توفیق هر چه بیشتر، کسب و ارتقاء آن‌ها بسیار اساسی است که از آن جمله می‌توان به تاب‌آوری و ارتقاء آن اشاره کرد. در زمینه موضوع تاب‌آوری و عوامل محافظتی سازنده آن، نظریاتی مطرح شده است: هاسر^۴، ۱۹۹۹؛ ماستن و همکاران، ۱۹۹۹، تاب‌آوری را به عنوان یک پیامد و نتیجه مثبت تعریف می‌کنند که شامل سلامت روان، موفقیت تحصیلی و موفقیت در انجام دادن تکالیف رشدی، عزت نفس و صلاحیت اجتماعی است. گارمزی و ماستن (۱۹۹۱)، تاب‌آوری را به عنوان یک فرایند^۵، قدرت یا نتیجه موفقیت‌آمیز با شرایط تهدیدآمیز تعریف می‌کنند. این مفهوم به فرایند بازگشت فرد به کارکرد عادی پس از یک رویداد استرس‌زا یا هیجان منفی نیز گفته می‌شود. فرایند تاب‌آوری محدود به دوره کودکی نیست و می‌تواند تا سالمندی نیز تداوم یابد. تاب‌آوری فقط فهرستی از ویژگی‌ها نیست. تاب‌آوری نتیجه فرایندی تاب‌آفرینانه در زندگی واقعی است، و اینکه رفتار تاب‌آورانانه رفتاری اکتسابی و یادگیرانه است. کامپفر^۶ (۱۹۹۹) به این نکته نیز اشاره می‌کند که سازگاری مثبت با زندگی، هم می‌تواند پیامد تاب‌آوری به شمار رود و هم به عنوان پیش‌آیند، سطح بالاتری از تاب‌آوری را سبب شود. او این مسئله را ناشی از پیچیدگی تعریف و نگاه فرآیندی به تاب‌آوری می‌داند. بر طبق

-
1. Proactive
 2. Reactive
 3. Kaplan
 4. Hauser
 5. Process
 6. Kumpfer

مدل‌های ارائه شده از سوی اورال، آلتروس و پاولسن^۱ (۲۰۰۶)، سه حوزه عملکردی برای تاب‌آوری تعریف و بر آن‌ها تمرکز شده است:

۱- تاب‌آوری به عنوان یک ویژگی شخصیتی یا توانایی پیش‌بینی افراد در مقابل تأثیرات منفی ناملایمات و احتمال خطر فرض می‌شود؛^۲ یک وضعیت روحی مثبت یا سلامت روانی (مانند درک مثبت، خود پنداره مثبت، پیشرفت تحصیلی و موفقیت در انجام وظایف) به‌رغم وجود یا احتمال خطر؛^۳ یک فرایند پویا که بر کنش بین متغیرهای فردی و پیرامونی تأثیر گذاشته و در طی زمان تغییر می‌کند.

اگرچه تاب‌آوری تاحدی نوعی ویژگی شخصی و تا حدود دیگری نیز نتیجه تجربه‌های محیطی افراد است، ولی انسان‌ها قربانی محیط یا وراثت خود نیستند و می‌توان واکنش افراد را در مقابل استرس، رویدادهای ناخوشایند و دشواری‌ها تغییر داد، به طوری که بتوانند بر مشکلات و تأثیرات منفی محیط غلبه کنند (کوردیچ - هال و پیرسون^۴، ۲۰۰۵، کورهوتن، ۲۰۰۷). به عبارت دیگر، تاب‌آوری یک سازگاری مثبت در پاسخ به شرایط تهدید آمیز شدید است (والر^۵، ۲۰۰۱). به عبارت دیگر می‌توان گفت که تاب‌آوری یک توانایی فردی برای حفظ زندگی، تعادل روانی در شرایط پرخطر است (کانر و دیویدسون^۶، ۲۰۰۳). تاب‌آوری ریشه در برخی از نظریه‌های روان‌شناسی دارد. توجه فروید به توانایی انسان برای تفوق بر شرایط ناگوار (ماستن و کوتسورث، ۱۹۹۵)، مفهوم دل‌بستگی بالبی، مدل "تاب‌آوری من"^۷ بلاک و سازوکارهای دفاعی و ایلانیت^۸ (مگینس، ۲۰۰۷)، مفاهیمی مانند علاقه اجتماعی، اشتباه‌های اساسی، شجاعت ناکامل بودن و دلگرم‌سازی در نظریه آدلر و همکار او، درایکورس^۹ (کارنز و کارنز، ۱۹۹۸، میلین و بارت-کروس، ۲۰۰۲، والش، ۲۰۰۶، ایوانز، ۲۰۰۷)، جایگاه انتظارات خودکارآمدی در تعیین رفتارهای انطباقی و میزان تلاش و مقاومت فرد در

1. Everall, Altrows & Paulson
2. Kordich-Hall & Person
3. Waller
4. Conner & Davidson-
5. Ego-resilience
6. Block
7. Vailant
8. Driekurs



مواجهه با موانع و شرایط ناگوار در نظریه بندورا (بندورا، ۱۹۹۷)، نقش نظام باورها و نگرش‌های فرد از نظر الیس و بک (لایتسی، ۲۰۰۶)، همچنین نقش ارزیابی‌های شناختی در کنار آمدن فرد از دیدگاه لازاروس و فولکمن (لازاروس، ۱۹۹۳)، دیدگاه بوم‌شناختی برونفن برنر، سبک تفکر و تبیین افراد از دیدگاه سلیگمن (سلیگمن، رایویچ، جی کاکس و گیلهام، ۱۹۹۵) و در نهایت، نقش معنادادن به زندگی برای باقی ماندن در شرایط ناگوار براساس نظر فرانکل (به نقل از کوری، ۱۳۸۵).

موفقیت در دانشگاه، مستلزم انطباق با شرایط جدید، از جمله مواجهه با رویدادهای مربوط به خوابگاه، آمادگی و حضور در کلاس‌های درسی و امتحانات است، یک دانشجوی برای کسب موفقیت، باید توانمندی‌هایی هم چون تفکر انتقادی مرتبط با رویدادهای در حال تغییر زندگی را ارتقاء داده، و توان تاب‌آوری خویش را افزایش دهد و شیوه‌های انطباق‌پذیری با محیط جدید را بیابد (حسیم^۱ ۲۰۱۳). چالش‌های پیش روی دانشجویان جدید، ترکیبی از عوامل استرس‌زای اجتماعی یا فیزیکی است که به عنوان ریسک فاکتور (عوامل خطر) شناخته می‌شوند، که این عوامل خطر می‌تواند افکاری را ایجاد کند که رشد سلامت روان، شیوه‌های سازگاری مثبت را به خطر اندازد و همچنین به عنوان مانعی برای مشارکت آن‌ها در جامعه شود (باناتو^۲، ۲۰۱۱). واسونگا، کریستمن و کیلمر، ۲۰۰۳)، نیز اشاره می‌کنند که دانشجویان سال اول نیازمند تاب‌آوری برای غلبه بر مشکلات دانشگاهی و انطباق با زندگی دانشجویی هستند، آن‌ها اغلب آسیب‌پذیرند و به ساختارهای دانشگاه و محیط و برنامه‌های آن آشنایی ندارند. ماستن (۱۹۹۶) برای دستیابی به موفقیت در زندگی دانشجویی مطرح می‌کند که در میکرو سیستم (دانشگاه)، دانشجویان لازم است که به کسب تحصیلات، تجارب مثبت دانشگاهی پرداخته، وابستگی‌های مذهبی قوی داشته باشند و جهت عبور از سختی‌های شدید و افزایش تاب‌آوری به منظور بهبود شرایط، به درمان (مشاوره) روان‌شناختی اقدام کنند.

لذا با توجه به وجود چالش‌های متعدد پیش روی دانشجویان سال اول و ضرورت

-
1. Hassim
 2. Banato
 3. Wasonga , Christman & Kilmer

سازگاری سالم با رویدادهای جدید، شناخت میزان تاب‌آوری این قبیل دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن حائز اهمیت می‌شود. که در این پژوهش بنا به یافته‌های نظری و پژوهشی به پیوستگی و انسجام خانوادگی و سبک‌های دلبستگی به عنوان دو عامل مؤثر بر میزان تاب‌آوری توجه خواهد شد و سپس با توجه به وجود احساس غم غربت به عنوان یکی از چالش‌های پیش روی دانشجویان سال اول، رابطه آن با میزان تاب‌آوری بررسی می‌شود.

یکی از عوامل محافظتی برای ایجاد و رشد تاب‌آوری در میان افراد، خانواده است. مورا لس^۱ (۲۰۰۷) از عوامل مهم تأثیرگذار بر تاب‌آوری، دلبستگی^۲ ایمن و پیوستگی^۳ خانوادگی را نام را می‌برد (مورالس، ۲۰۰۷ به نقل از کردمیرزا، ۱۳۸۸). در بافت خانواده آنچه که سازنده تاب‌آوری است شامل ویژگی‌های مثبت اولیه، مانند عملکردهای خوب فکری، ارتباطات مثبت، توجه بیش‌تر والدین به فرزندان، جدایی کم‌تر آن‌ها، تضادهای کم خانواده و کم‌تر قرارگرفتن در معرض عوامل فشارزای زندگی^۴ است (ماستن، ۱۹۹۴). چنانچه خانواده دارای ساختار و کارکردهای مثبت مراقبتی باشد، دلبستگی ایمن و امنیت عاطفی و روانی ایجاد خواهد شد. روابط صمیمانه امن و هماهنگ، مکانیسم‌های زیربنایی برای موفقیت در انجام وظایف و هسته اصلی ایجاد خودپنداره مثبت است (راتر، ۱۹۹۳). در دیدگاه بوم شناختی^۵ نیز به بسیاری از عوامل تأثیرگذار در ایجاد خطر و تاب‌آوری در طی زندگی توجه می‌کنند. خانواده، گروه همسالان، مدرسه یا محیط‌های کاری و نظام‌های اجتماعی بزرگ‌تر را می‌توان شرایطی امن برای شایستگی اجتماعی در نظر گرفت (برونفن برنر^۶، ۱۹۷۹). در ارتباط با خانواده و رابطه آن با تاب‌آوری اعضا، بحث الگوهای سازمانی خانواده مطرح می‌شود. خانواده‌ها با اشکال و شبکه‌های ارتباطی مختلف، باید ساختاری داشته باشند تا از یکپارچگی و سازگاری واحد خانواده و اعضای آن حمایت کنند (واتزلوویک، بیوین و جکسون، ۱۹۶۷؛ مینوچین^۷، ۱۹۷۴)، به منظور برخورد مؤثر با بحران‌ها یا ناگواری‌ها، خانواده‌ها باید منابع خود

1. Morales
2. attachment
3. family cohesion
4. stressor factorS
5. Ecological perspective
6. Bronfenbrenner
7. Watzlawick, Beavin, Jackson & Minuchin



را بسیج کرده و سازمان دهند، فشارهای روانی را مهار کنند و متناسب با تغییر شرایط مجدداً سازمان یابند (به نقل از والش، ۱۳۹۱). در واقع سازمان یافتگی و توانایی خانواده در برگشت به شرایط قبل از بحران، به فرزندان نیز از طریق یادگیری منتقل می‌شود. خانواده‌ها بافت‌های حیاتی برای یادگیری اجتماعی هستند (پترسون، سکستون و الکساندر^۱، ۲۰۰۲؛ به نقل از والش، ۲۰۰۲). در خانواده‌های با عملکرد مناسب، والدین، موفقیت فرزندان را تشویق می‌کنند و به رفتار سازگار از طریق توجه، تقدیر و تأیید پاداش می‌دهند، آن‌ها سعی می‌کنند رفتار ناسازگار را تشویق نکنند و در خانواده‌هایی که کارکرد پایینی دارند، والدین اجبار بیشتری به کار می‌برند و بر بد رفتاری، شکست، کنترل و تنبیه تمرکز می‌کنند (والش، ۱۳۹۱).

والش^۲ (۲۰۰۲)، که از نظریه پردازان تاب‌آوری است، سه فرایند کلیدی الگوهای سازمانی به نام‌های، انطباق‌پذیری و انسجام یا پیوند در خانواده، نظام‌های باور و فرایندهای ارتباطی را برای تاب‌آوری در بین اعضاء خانواده ذکر می‌کند. که در این پژوهش به مطالعه انطباق‌پذیری و انسجام توجه می‌شود. والش (۲۰۰۲)، این ویژگی‌ها را لازمه ایجاد و تقویت تاب‌آوری می‌داند. بیان می‌کند که، خانواده‌ها باید برای داشتن کارکرد مطلوب در هنگام مواجهه با سختی، یک ساختار انعطاف‌پذیر داشته باشند و با خواسته‌های محیطی و رشدی متغیر سازگار شوند. همان‌طور که ویرجینیا ستیر^۳ (۱۹۸۸) در خانواده‌های سالم مشاهده کرد، قوانین برای اعضاء تغییرپذیر، مقتضی و اصلاح‌شدنی است. و بنابراین، اعضاء خانواده از طریق تعاملات با یکدیگر می‌آموزند که با تغییرات، انطباق‌پذیری و انعطاف نشان دهند که نهایتاً به سازگاری آن‌ها با شرایط موجود منجر می‌شود. و انسجام عنصر اساسی دوم در سازماندهی خانواده و مؤثر بر تاب‌آوری افراد خانواده است. یعنی پیوندهای ساختاری و هیجانی در میان اعضاء خانواده (والش، ۱۳۹۱). در مطالعات تاب‌آوری، پیوستگی (انسجام)، ارتباط نموداری با کارکرد خانواده دارد، از یک سو به معنای باهم بودن^۴ و از سوی دیگر به معنای مستقل بودن^۵ از یکدیگر است. باهم بودن یک پیوند عاطفی و ارتباط بین اعضاء خانواده با یکدیگر است،

1. Peterson, Sexton & Alexander
2. Walsh
3. Satir
4. together
5. disengagement

این ارتباط شامل: مرزها، ائتلاف‌ها، زمان، فضا، دوستان، تصمیم‌گیری، علائق و تفریح و سرگرمی است. جنبه دیگر پیوستگی رهایی از قید است، مثل داشتن ساعاتی جداگانه از خانواده، استقلال در انجام دادن فعالیت‌های فردی است. مطلوب آن است که تعادل بین باهم بودن و مستقل بودن را بیابیم (اولسون و کورال ۲۰۰۳، توماس و اولسون ۱۹۹۴، به نقل از اوین شاو، ۲۰۱۱).

بیورز و هامپسون^۱ (۱۹۹۰)، نیز به طور مشابه دریافتند، خانواده‌های دارای شیوه ارتباطی فوق (مرکز گرا) جهت زندگی شان را به طرف خود سوق می‌دهند. اعضاء در درجه اول رضایت‌مندی و ارتباط را در درون خانواده جستجو می‌کنند. در خانواده‌های غیر متمرکز (مرکز‌گریز) اعضا برای کسب رضایت‌مندی به خارج از خانه روی می‌آورند. هنگامی که خانواده‌ها در صمیمیت، حمایت متقابل و تعهد همراه با تحمل جدایی و نیازها و تفاوت‌های فردی متعادل هستند، عملکرد بهتری دارند. در ارتباط با مشخص بودن مرزها، ویتاکر و کیت (۱۹۸۱) بیان می‌کنند، خانواده‌هایی که کارکرد خوبی دارند، برای حفظ مرزهای روشن مانند احترام به امور شخصی یک نوجوان تلاش می‌کنند، همچنین توانایی تحمل و تشویق جدایی، تفاوت و استقلال می‌تواند صمیمیت بسیاری را به وجود آورد (به نقل از والش، ۱۳۹۱). لذا خانواده به عنوان یک عامل محافظتی در برابر عوامل خطر می‌تواند در رشد و ارتقاء و تاب‌آوری فرزندان خود به طور کل و دانشجویان سال اول به طور اخص، مؤثر واقع شود. که این تأثیر از طریق شکل‌گیری سازگاری در خانواده صورت پذیرفته تا این قبیل دانشجویان بتوانند بر چالش‌های پیش روی غلبه کنند.

و در بیان ویژگی‌های دانشجویان سال اول دارای تاب‌آوری این‌طور آمده است: آن‌ها مهارت‌های اجتماعی کامل‌تری دارند، قادر به کنترل هیجانات و رفتارهای خود در موقعیت‌های گوناگون در دانشگاه هستند و نیازمندی خود به منابع حمایتی در دانشگاه را می‌شناسند و در پی برقراری ارتباطات به منظور کسب بهزیستی خود حرکت می‌کنند (دی‌بری و همکاران، ۲۰۰۳). و همچنین، آن‌ها دارای توانایی و ویژگی‌های انطباقی هستند که این ویژگی‌ها موجب دستیابی آن‌ها به موفقیت‌های تحصیلی و اجتماعی می‌شود (واسونگا و

-
1. Beavers & Hampson
 2. De Berry



همکاران، ۲۰۰۳). در شواهد پژوهشی می‌توان به پژوهش آروکیاراج^۱ (۲۰۱۱) اشاره کرد، او در بررسی رابطه انطباق‌پذیری و پیوستگی بر رشد تاب‌آوری در یک نمونه ۱۳۴ نفری از دانش‌آموزان مدارس، به این نتیجه دست یافت که انطباق‌پذیری و پیوستگی یک پیش‌بین معنادار برای تاب‌آوری هستند که ۱۵/۱ درصد از واریانس نمرات تاب‌آوری را به خود اختصاص داده است. همچنین درباره تأثیر خانواده و حمایت‌های ادراک شده دانشجویان سال اول و رابطه آن با تاب‌آوری، نتایج پژوهش داونسون و پولی^۲ (۲۰۱۳) نشان‌دهنده پیش‌بین بودن متغیرهای ادراک شده دانشجویان از حمایت و پشتیبانی خانواده است. این شاو^۳ (۲۰۱۱)، در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که انطباق‌پذیری و پیوستگی در خانواده و تاب‌آوری خانوادگی بر بهبود کیفیت خانوادگی و تاب‌آوری اعضا خانواده تأثیر دارد. در اهمیت و تأثیر تاب‌آوری بر روند زندگی دانشجویان، باتس و میلز جانسون^۴ (۲۰۱۰)، بیان می‌کنند که تاب‌آوری نه تنها یک مؤلفه مهم جهت سازگاری سالم در فرایند انتقال به دانشگاه است، بلکه پس از فارغ‌التحصیلی و انتقال آن‌ها به جامعه و محیط کار نیز مهم تلقی می‌شود. براساس شواهد نظری و پژوهشی، یکی از عوامل تأثیرگذار بر تاب‌آوری، دلبستگی^۵ است، و در دانشجویان سال اول، بر احساس غم غربت آن‌ها نیز تأثیرگذار است. سبک‌های دلبستگی ناایمن به شکل عدم تاب‌آوری، با احساس غم غربت در ارتباط است (یورلینگز^۶ و همکاران، ۱۹۹۶).

ساختار خانواده در ایجاد و پرورش پیوستگی خانوادگی و متعاقب آن ایجادکننده محیط‌های امن عاطفی هستند، سبک‌های دلبستگی، شیوه تمایل افراد به برقراری نوعی رابطه نزدیک با افرادی معین و داشتن احساس امنیت بیش‌تر است، دلبستگی شامل سه سبک ایمن، ناایمن اجتنابی و ناایمن اضطرابی است (اینزورث ۱۹۸۹). فردی با الگوی دلبستگی ایمن، مراقب خود را قابل دسترس می‌داند و خودش را به صورت مثبت تجربه می‌کند، در الگوی

1. Arokiaraj
2. Dawson & Pooly
3. Openshow
4. Bates & Janson
5. Attachment
6. Eurelings

دل‌بستگی اجتنابی، مراقب به‌طور پیوسته فرد را از خود می‌راند و خود نیز ناایمن است، اما به‌طور اجباری به خودش اعتماد می‌کند و در نهایت در الگوی دل‌بستگی اضطرابی، فرد، مراقب خود را به عنوان یک پاسخگوی بی‌ثبات و خود را به عنوان فردی وابسته و بی‌ارزش تجربه می‌کند (اشتاین^۱ ۲۰۰۶). هافمن، مه‌لینگر و کریوان (۲۰۰۰) در معرفی عوامل محافظتی ایجادکننده و رشد دهنده تاب‌آوری در درون خانواده، به وجود دل‌بستگی ایمن اولیه و مداوم اشاره می‌کنند. راتر^۲ (۱۹۹۳) اشاره می‌کند که روابط صمیمانه امن و هماهنگ، مکانیسم‌های زیر بنایی برای موفقیت در انجام‌دادن وظایف و هسته‌ای برای ایجاد خودپنداره است. هازن و شپور^۳ (۱۹۹۸) نشان دادند که این سبک‌های دل‌بستگی در روابط عاطفی نوجوانان و بزرگسالان نیز مشاهده می‌شود. بزرگسالان ایمن از اعتماد به نفس، مهارت‌های اجتماعی و توانایی برقراری روابط عاطفی و صمیمی نسبتاً پایدار و رضایت بخش بهره‌مند هستند. اجتناب‌گراها ممکن است علاقمند به برقراری روابط عاطفی و صمیمی باشند، اما در هر حال از این نوع روابط ناراضی هستند، تمایلی به برقراری روابط صمیمی درازمدت ندارند، با از مهارت‌های اجتماعی بی‌بهره‌اند. دو سوگراها از طرد شدن و ترک شدن نگران هستند، در روابط با دیگران مستعد بی‌اعتمادی هستند، به‌رغم مخاطرات روابط صمیمی مشتاق برقراری چنین روابطی هستند و ممکن است به‌گونه‌ای نامناسب به خود آشکارسازی‌های صمیمانه بپردازند. با یک نگاه عاشق شوند و قهر و آشتی‌های مکرر داشته باشند. زنانی که دارای دل‌بستگی اجتنابی هستند، رفتارهای تجزیه‌ای بیش‌تری را نشان می‌دهند، از سوی دیگر دل‌بستگی ایمن با محافظت در مقابل تجزیه آسیب‌شناختی^۴ در ارتباط است (هاوکینز و رودگرز^۵، ۲۰۰۷). آتوول^۶ (۲۰۰۶)، در نتایج پژوهشی خود با عنوان ارتباط بین مفاهیم دل‌بستگی و تاب‌آوری خاطر نشان می‌کند که دل‌بستگی ایمن یک عامل مهم در به حداقل رساندن شرایط بحرانی و به حداکثر رساندن میزان تاب‌آوری در افراد نیازمند به کمک است، زیرا افراد ایمن رویدادهای استرس‌زا را کم‌تر تهدیدکننده ارزیابی می‌کنند و با احتمال

1. Stain
2. Rutter
3. Hazan & Shaver
4. pathological dissociation
5. Hawkins-Rodgers
6. Atwool



بیش‌تری به جستجوی کمک از سوی دیگران برای حل مسایل خویش اقدام می‌کنند. یکی دیگر از چالش‌های پیش روی دانشجوی سال اول مقیم خوابگاه، احساس غم غربت^۱ است. غم غربت ناراحتی روحی یا ناخشنودی روانی ناشی از جدایی واقعی یا پیش‌بینی شده از خانه است و مشخصه آن اشتغال ذهنی فرد با افکار مربوط به خانه و متعلقات آن است (توربر^۲ و والتون^۳، ۲۰۰۷). فیشر و هود^۴ (۱۹۸۸) معتقد هستند که احساس غربت، یک سری از احساسات نامساعد، تحمل‌ناپذیر برای آن دسته از افرادی است که ترک خانه، خانواده، دوستان و محیط آشنا را تجربه کرده‌اند. غربت زدگی، یک احساس انگیزشی-شناختی است که تمرکز آن بر غمگینی و احساس از دست دادن (فقدان) خانواده، دوستان و محیط اطراف است (فیشر و هود، ۱۹۸۸).

آرچر^۵ و همکاران (۱۹۹۸) با استفاده از ابزارهای سنجش مختلف نشان دادند که زنان بیش از مردان احساس غربت را تجربه می‌کنند. این تفاوت‌ها در مطالعه استروپ و همکاران (۲۰۰۲) نیز تکرار شده است که ممکن است به دلیل تمایل بیشتر زنان به داشتن روابط اجتماعی با دیگران باشد (به نقل از بشارت، فرهادی و گیلانی، ۱۳۸۵). میزان این احساس در میان دانشجویان خوابگاهی نیز متفاوت است، که تحت تأثیر ویژگی‌های فردی، توانایی‌ها و مهارت‌های شخصی و عوامل محافظتی است، سبک‌های دلبستگی یکی از متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش است که در رابطه با تاب‌آوری و همچنین تأثیر بر احساس غم غربت بررسی می‌شود، شکل‌گیری دلبستگی ایمن در خانواده‌ای سالم به عنوان یک عامل محافظتی برای ایجاد و رشد تاب‌آوری در سنین کودکی، اثرات بالا و والایی در نوجوانی و بزرگسالی به همراه دارد. در مطالعات انجام شده درباره عوامل زمینه‌ساز و متغیرهای تأثیرگذار بر پیدایش احساس غربت، به سبک‌های دلبستگی توجه شده است، شواهد نشان داده‌اند که بین نایمینی سبک دلبستگی بزرگسالان و شاخص‌های ناسازگاری و درماندگی روان‌شناختی همبستگی

-
1. Homesickness
 2. Thurber
 3. Walton
 4. Fisher & Hood
 5. Archer

قوی وجود دارد. (کوپر^۱ و همکاران، ۲۰۰۲). و سبک‌های دل‌بستگی ناایمن به شکل عدم تاب‌آوری با احساس غربت در ارتباط است (یورلینگز^۲ و همکاران ۱۹۹۶، ۱۹۹۴). و به دنبال آن عدم سازگاری با شرایط را به همراه می‌آورد. از سوی دیگر تمایلات اجتنابی با ناتوانی در یاری‌طلبی از دوستان و معلمان و کناره‌گیری از دیگران همراه است (لاروس و باربر^۳، ۲۰۰۱). سبک دل‌بستگی، شیوه‌ی مقابله با استرس‌زاهای آنها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در موقعیت‌های استرس‌زا، افراد دارای سبک دل‌بستگی ایمن، اغلب از راهبردهای یاری‌طلبی استفاده می‌کنند. در حالی که دوسوگراها بیش‌تر از راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌مدار استفاده می‌کنند و اجتناب‌گراها از راهبردهای اجتناب‌گری و ایجاد فاصله استفاده می‌کنند (میکولینسر^۴ و همکاران، ۱۹۹۸).

با فرض اینکه محیط غریب به عنوان یک عامل استرس‌زا است، می‌توان تصور کرد که چنین رابطه‌ای بین سبک‌های دل‌بستگی و میزان تاب‌آوری دانشجویان در این شرایط و احساس غم غربت نیز صادق باشد.

دربارۀ رابطه دل‌بستگی با تاب‌آوری، اکبری، وفایی و خسروی (۱۳۹۰)، نشان داده‌اند که بین سبک‌های دل‌بستگی ایمن و تاب‌آوری رابطه مثبت معنادار وجود دارد و بین دل‌بستگی ناایمن اجتنابی و میزان تاب‌آوری رابطه منفی معنادار وجود دارد و بین دل‌بستگی ناایمن اضطرابی و میزان تاب‌آوری رابطه معنادار وجود ندارد. و نتیجه گرفته است که سبک دل‌بستگی ایمن پیش‌بینی‌کننده میزان تاب‌آوری گروه نمونه است. ساونبرگ^۵ (۱۹۹۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان دل‌بستگی، تاب‌آوری و پیشگیری بحث می‌کند که دل‌بستگی ایمن، تاب‌آوری لازم را در فرد برای مقابله با بسیاری از رویدادهای ناگوار فراهم می‌کند تا در آینده به عنوان یک بزرگسال بدون آسیب روان‌شناختی با رویدادها مقابله کند نتایج پژوهش گرانت^۶ (۲۰۰۸)، در بررسی رابطه سبک‌های دل‌بستگی و عوامل مؤثر بر تاب‌آوری (عواطف مثبت و امیدواری) نشان می‌دهد که در سبک دل‌بستگی ایمن میزان بالاتری از معناداری برای عاطفه مثبت نسبت به

-
1. Cooper
 2. Eurelings
 3. Laros & Barber
 4. Mikulincer
 5. Savenberg
 6. Grunert



سبک دلبستگی اجتنابی نشان داده شده است، که این مطالعه و یافته‌های آن از تمرکز بر فرایندهای مؤثر بر تاب‌آوری حمایت می‌کند.

از آن جایی که هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین انطباق‌پذیری و پیوستگی در خانواده و همچنین سبک‌های دلبستگی بر تاب‌آوری دانشجویان سال اول و سپس رابطه آن با احساس غم غربت بود، شواهد پژوهشی گویای رابطه متغیرهای ذکر شده با تاب‌آوری و همچنین با احساس غم غربت است، خادمی و فرشی اقدام (۲۰۱۳)، در پژوهشی با نمونه ۴۷۰ نفری از دانشجویان سال اول، نشان داده است که بین تاب‌آوری و غربت‌زدگی همبستگی معنادار وجود دارد. حسیم (۲۰۱۳) به بررسی رابطه کارکرد خانواده و غربت‌زدگی در بین دانشجویان سال اول پرداخته است که نتایج بیان‌کننده رابطه معنادار بین این دو متغیر است. قنبری و همکاران (۱۳۸۵)، در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که دانشجویان دلبسته ایمن در مقایسه با دانشجویان دلبسته نایمن احساس غربت کم‌تری را تجربه می‌کنند. در نتایج پژوهش بشارت و همکاران، (۱۳۸۵)، بین سبک‌های دلبستگی و میزان احساس غم غربت رابطه معنادار وجود دارد، دانشجویان دارای سبک دلبستگی ایمن کم‌تر از دانشجویان دارای سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا احساس غربت را تجربه می‌کنند.

بنابراین، از آن جایی که تاب‌آوری یک فرایند، قدرت و انطباق موفقیت‌آمیز با شرایط تهدیدآمیز تعریف شده است (گارمزی و ماستن، ۱۹۹۱)، شناسایی و شناخت میزان آن و عوامل محافظتی خانوادگی، از جمله انطباق‌پذیری و پیوستگی در ساختار خانواده و سبک‌های دلبستگی متأثر از ساختار خانواده، و ارتباط آن‌ها با میزان تاب‌آوری دانشجویان به منظور سازگاری با محیط جدید دانشگاه و مقابله با مشکلات زندگی دانشجویی و غلبه بر احساسات منفی از جمله احساس غم غربت حائز اهمیت است و ضرورت مطالعه عوامل مؤثر مذکور در این پژوهش را ایجاد می‌کند.

لذا این پژوهش درصدد آگاهی از این بود که آیا عوامل خانوادگی (انطباق‌پذیری و پیوستگی در خانواده دانشجویان) و سبک‌های دلبستگی با میزان تاب‌آوری ارتباط دارند و می‌توانند پیش‌بینی برای میزان تاب‌آوری باشند و سپس ارتباط تاب‌آوری با احساس غم غربت بررسی شود.

فرضیه‌های پژوهش عبارت هستند از:

۱. سبک‌های دلبستگی، انطباق‌پذیری و پیوستگی در خانواده، میزان تاب‌آوری را پیش‌بینی می‌کند.
۲. میزان تاب‌آوری میزان احساس غم غربت را پیش‌بینی می‌کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر مطالعه‌ای توصیفی و از نوع همبستگی چند متغیره است. جامعه آماری این پژوهش با استفاده از فرمول کرجسی و مورگان (۱۹۷۲)، خویی نژاد (۱۳۸۷) از میان دانشجویان مقطع کارشناسی ورودی ۹۲ مستقر در خوابگاه‌های دانشگاه الزهراء (س)، نمونه‌ای به تعداد ۱۲۱ نفر به دست آمد، برای پیشگیری از افت ۱۳۰ پرسشنامه توزیع شد و با حذف نقایص ۱۲۱ پرسشنامه بررسی شد.

ابزارهای پژوهش عبارت هستند از:

- ۱- پرسشنامه تاب‌آوری کانر و دیویدسون: این پرسشنامه ۲۵ گویه دارد که در یک مقیاس لیکرتی بین صفر (کاملاً نادرست) و پنج (همیشه درست) نمره‌گذاری می‌شود. کانر و دیویدسون ضریب آلفای کرونباخ مقیاس تاب‌آوری را ۰/۸۹ گزارش کرده‌اند، همچنین ضریب پایایی حاصل از روش بازآزمایی در یک فاصله ۴ هفته‌ای ۰/۸۷ بوده است. این مقیاس را در ایران محمدی (۱۳۸۴) هنجاریابی کرده است. او برای تعیین پایایی مقیاس از روش آلفای کرونباخ بهره گرفته و ضریب پایایی ۰/۸۹ را گزارش کرده است (به نقل از قربانی، ۱۳۹۱)
- ۲- مقیاس انطباق‌پذیری و پیوستگی خانوادگی (۳-FACES): این مقیاس به منظور ارزیابی کنش‌وری خانواده طراحی و تهیه شده است و از پرکاربردترین مقیاس‌های مورد استفاده برای اندازه‌گیری ساختار خانواده است. این مقیاس که سومین تجدید نظر FACE است به منظور اندازه‌گیری دو بعد اصلی الگوی «سرکامپلکس» یعنی «پیوستگی» و «



انطباق‌پذیری « خانواده را السون^۱ و همکاران (۱۹۸۵) طراحی کرده‌اند و یک پرسشنامه خود گزارشی، شامل ۲۰ سؤال است که ۱۰ سؤال آن، پیوستگی و ۱۰ سؤال نیز انطباق‌پذیری در خانواده را می‌سنجد. و همچنین السون چنین فرض کرده است که تفاوت بین ادراک شخص از این که خانواده چگونه کنش می‌کند و به طور ایده‌آل خانواده چگونه بایستی کنش کند، اندازه‌گیری مستقیم رضایت از خانواده را فراهم می‌آورد. بنابراین، این مقیاس به شکلی طراحی شده است که توصیف وضعیت ادراک شده (وضعیت فعلی) و وضعیت ایده‌آلی نظام خانواده را هم به دست آورد و محاسبه این دو نمره، رضایت از خانواده را به دست می‌آورد. هرچه تفاوت این دو بزرگ‌تر باشد رضایت از خانواده کم‌تر است. درخصوص ویژگی‌های روان‌سنجی این آزمون، اعتبار برای بعد پیوستگی ۰/۷۷ و برای بعد انطباق‌پذیری ۰/۶۲ گزارش شده است همچنین در پژوهش مظاهری و همکاران (۱۳۸۷) اعتبار مقیاس حاضر توسط آلفای کرونباخ برای بعد پیوستگی ۰/۷۴ و برای بعد انطباق‌پذیری ۰/۷۵ به دست آمد (به نقل از مظاهری و همکاران، ۱۳۸۷). در این پژوهش با توجه به اهداف پژوهش، صرفاً به بررسی انطباق‌پذیری و پیوستگی در خانواده اقدام شد و رضایت از خانواده (براساس وضعیت ادراک شده یا فعلی خانواده و وضعیت ایده‌آلی) سنجیده نشده است.

۳- مقیاس دلبستگی بزرگسالان: مقیاس دلبستگی بزرگسالان (تجدید نظر شده) RAAS،

ابتدا در سال ۱۹۹۰ به وسیله کولینز و رید^۲ تهیه شد و در سال ۱۹۹۶ مورد بازنگری قرار گرفت. مبنای نظری این آزمون، نظریه دلبستگی است. مقیاس دلبستگی بزرگسالان که چگونگی ارزیابی فرد از مهارت‌های ارتباطی و سبک رابطه صمیمانه او را بررسی می‌کند، دارای ۱۸ عبارت است که پاسخ‌دهندگان در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای میزان موافقت یا مخالفت خود با هریک از عبارات را بیان می‌کنند. این پرسشنامه سه زیر مقیاس دارد: وابستگی، که میزان اطمینان و تکیه کردن آزمودنی به دیگران را نشان می‌دهد، زیرمقیاس نزدیکی، که میزان صمیمیت و نزدیکی عاطفی آزمودنی با دیگران را می‌سنجد و زیرمقیاس اضطراب که میزان نگرانی فرد از طرد شدن را ارزیابی می‌کند. به هریک از زیرمقیاس‌ها ۶ عبارت اختصاص یافته است. آزمودنی‌ها بر مبنای نتایج به دست آمده، در یکی از سه گروه

1. David H Olson ,Joyce portner & Yoar Lavee

2. Collins & Read

دارای سبک دل‌بستگی: ایمن، اضطرابی و اجتنابی جای می‌گیرند. ضریب پایایی بازآزمایی این آزمون برای هریک از سه زیر مقیاس نزدیکی، وابستگی و اضطراب به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۱ و ۰/۵۲ گزارش شده است. کولینز و رید (۱۹۹۰) نشان دادند که زیر مقیاس‌های نزدیک بودن (c)، وابستگی (d) و اضطراب (A) در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی ۸ ماه پایدار ماندند. با توجه به اینکه آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است میزان قابلیت اعتماد به دست آمده، بالا است. در ایران نیز میزان قابلیت اعتماد با استفاده از روش آزمون - آزمون مجدد به صورت همبستگی بین دو اجرا با حجم ۱۰۰ نفر آزمودنی، نتایج حاصل از دوبار اجرای این پرسشنامه با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر بیان‌کننده آن بود که تفاوت بین دو اجرای مقیاس‌ها A، B، C در RAAS معنادار نبوده است و این آزمون در سطح ۰/۹۵ قابل اعتماد است (به نقل از بشارت و همکاران، ۱۳۸۵) و در پژوهش اخوی ثمرین، نوابی نژاد، ثنایی ذاکر و اکبری (۱۳۹۲)، پایایی این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۶۸۳ به دست آمده است و پایایی همبستگی درونی از طریق فرمول اسپیرمن براون ۰/۶۳۲ و روایی سازه از طریق تحلیل عاملی به دست آمده است (اخوی ثمرین، نوابی نژاد، ثنایی ذاکر و اکبری، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر، سبک‌های دل‌بستگی بررسی شده است.

۴- پرسشنامه احساس غم غربت: پرسشنامه احساس غربت (HQ) را آرچر^۱ و همکاران به منظور ارزیابی میزان احساس غربت دانشجویان ساخته‌اند. برای ساختن این پرسشنامه، آرچر و همکاران، ماده‌هایی را جمع‌آوری کردند که انتظار داشتند شکلی از واکنش غم و اندوه به منزله احساس غربت باشند. این ماده‌ها مشتق از واکنش غم و اندوه بودند، که در پارکر (۱۹۷۰، ۱۹۷۲، ۱۹۸۵، ۱۹۸۶)، شاختر (۱۹۸۶) و شاختر و زیسوک (۱۹۸۳) شرح داده شده‌اند. به عنوان مثال، می‌توان از واکنش‌های زیر نام برد: واکنش‌هایی که جنبه شناختی دارند، مانند افکار مزاحم درباره خانه، واکنش‌ها که جنبه انگیزشی دارند، مانند احساسات قوی برای کشیده شدن به سوی خانه، اضطراب و افسردگی، واکنش‌های رفتاری مانند جستجوی تماس. پرسشنامه اصلی دارای ۳۳ عبارت بوده و دو زیر مقیاس دل‌بستگی به خانه و نارضایتی از بودن در دانشگاه را در بر می‌گیرد. این پرسشنامه یک ابزار خود گزارشی بوده و آزمودنی باید در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (خیلی کم تا خیلی زیاد) مشخص کند که هر عبارت چقدر



دربارهٔ صدق می‌کند. شایان ذکر است که با توجه به نتایج تحلیل‌های آماری در نسخه ایرانی این پرسشنامه سه سؤال حذف شده و نسخهٔ نهایی ۳۰ عبارت دارد و ۱۵ عبارت به هریک از زیر مقیاس‌ها اختصاص داده شده است. در پایایی خارجی، ضریب آلفای کرونباخ برای عامل دلبستگی به خانه و نارضایتی از بودن در دانشگاه در نمونه‌ای به حجم ۲۶۶ نفر از دانشجویان جدیدالورود به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۸۵ به دست آمده که نشانهٔ همسانی درونی خوب این پرسشنامه است (آرچر و همکاران، ۱۹۸۸، به نقل از قربانی ۱۳۹۲).

برای استفاده از این مقیاس در نمونهٔ ایرانی، اعتباریابی مقدماتی انجام شد و برای این کار ابتدا پرسشنامه به زبان فارسی ترجمه شد و پس از اعمال نظر متخصصان درمورد ترجمه و اعتبار صوری آزمون، جهت اعتبار همزمان به همراه پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ) در یک نمونهٔ ۴۰ نفری از دانشجویان جدیدالورود در هفتهٔ چهارم پس از ورود به دانشگاه اجرا شد. همبستگی بین این دو آزمون در نمونهٔ مورد بررسی ۰/۵۰ به دست آمده است که نشان دهندهٔ اعتبار همزمان خوب پرسشنامه احساس غربت است. آلفای کرونباخ به دست آمده ۰/۹۰ در عامل دلبستگی به خانه و ۰/۸۲ برای عامل نارضایتی از دانشگاه بود که نشانهٔ همسانی درونی بالای این پرسشنامه است. ضریب همبستگی به دست آمده در دو نوبت به فاصلهٔ ۳ هفته برای کل آزمون، ۰/۸۱ و برای عامل دلبستگی به خانه ۰/۸۳ و برای عامل نارضایتی از دانشگاه ۰/۷۸ به دست آمده است که نشان دهندهٔ پایایی باز آزمایی قابل قبول این آزمون است (بشارت و همکاران، ۱۳۸۵) و در پژوهش حاضر میزان پایایی احساس غم غربت با استفاده از آلفای کرونباخ به دست آمده ۰/۸۹ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

قبل از بررسی یافته‌های پژوهش با استفاده از آزمون کولموگراف اسمیرنوف به بررسی نرمال بودن نمرات متغیرها اقدام شد که نتایج نشان داد هیچ یک از نمرات متغیرها از منحنی نرمال اختلاف زیادی ندارند ($P \geq 0.05$). بنابراین، جایز بود از تحلیل آماری همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شود. همچنین برای بررسی چندگانگی خطی از دو آماره رواداری یا تحمل و عامل تورم واریانس متغیرها استفاده شد و نتایج نشان داد میزان رواداری نزدیک به یک و میزان عامل تورم واریانس کم‌تر از دو است. بنابراین، پدیدهٔ چندگانگی خطی

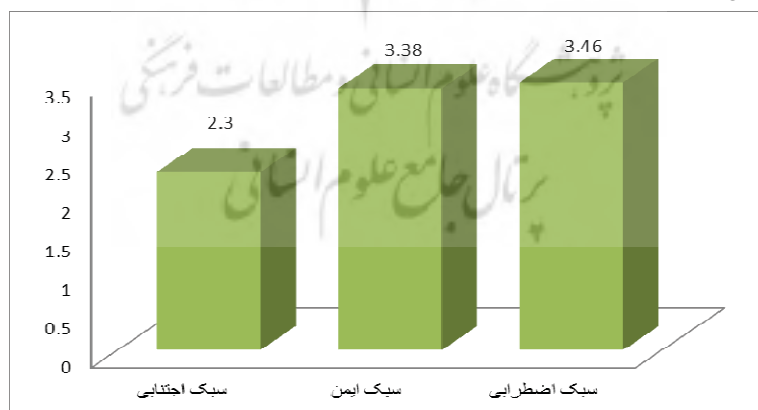
بین متغیرهای مستقل وجود ندارد.

در ابتدا میانگین و انحراف استاندارد های متغیرهای پژوهش سبک های دل بستگی و انطباق پذیری، پیوستگی و تاب آوری بررسی شد و جداول و نمودارهای هر یک در فرضیه های مربوط به آن آورده شد.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای سبک های دل بستگی، انطباق پذیری، پیوستگی و تاب آوری

متغیرها	میانگین	واریانس	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
سبک اضطرابی	۳/۴۶	۰/۲۶۴	۰/۵۱۴۰۰	۲/۸۳	۴/۳۳
سبک اجتنابی	۲/۳۰۳	۰/۱۵۶	۰/۳۹۴۵	۱/۷۲	۳/۲۲
سبک ایمن	۳/۳۸	۰/۲۵۹	۰/۵۰۸۸۷	۲	۴/۵
تاب آوری	۶۳/۲۳	۲۵۹/۲۷۹	۱۶/۱۰۲	۳۰	۱۰۰
انطباق پذیری	۲۳/۳۳	۳۶/۵۹۳	۶/۰۴۹	۱۰	۵۰
پیوستگی	۳۸/۰۹	۴۳/۲۴	۶/۵۷۵	۱۳	۵۵

فرضیه اول: سبک های دل بستگی، انطباق پذیری و پیوستگی در خانواده میزان تاب آوری را پیش بینی می کند.



نمودار ۱: میانگین سبک های دل بستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی در میان دانشجویان

جدول ۲: همبستگی بین متغیر پیش‌بین (سبک‌های دلبستگی) با متغیر ملاک (تاب‌آوری)

همبستگی پیرسون	دلبستگی ایمن	دلبستگی اضطرابی	دلبستگی اجتنابی
میزان همبستگی	۰/۱۰۰	-۰/۲۹۳	-۰/۷۷۲
سطح معناداری	۰/۴۱۴	۰/۴۱۱	۰,۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شده است با توجه به سطح معناداری و جهت همبستگی بین تاب‌آوری و زیرمقیاس دلبستگی اجتنابی رابطه معناداری وجود دارد به طوری که این رابطه معنادار و معکوس است به عبارتی با افزایش دلبستگی اجتنابی، تاب‌آوری دانشجویان نیز کاهش می‌یابد. و به جهت معنادار بودن رابطه بین متغیر پیش‌بینی کننده (سبک دلبستگی اجتنابی) با متغیر ملاک (تاب‌آوری)، این رابطه وارد مدل رگرسیون گام به گام شده است که در جداول ذیل ارائه می‌شود.

جدول ۳: خلاصه مدل رگرسیون گام به گام

خطای معیار برآورد	مجذور همبستگی تعدیل شده	مجذور همبستگی	ضریب همبستگی	Model
۹/۷۰۳۷	۰/۵۷۷	۰/۵۹۵	۰/۷۷۲	۱

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، مقدار مجذور F تعدیل شده $۰,۵۷۷ = F^2$ است که نشان می‌دهد مدل مورد استفاده ۵۷٪ تغییر در نمرات ملاک یا پیش‌بینی شونده (تاب‌آوری) را به حساب آورده است.

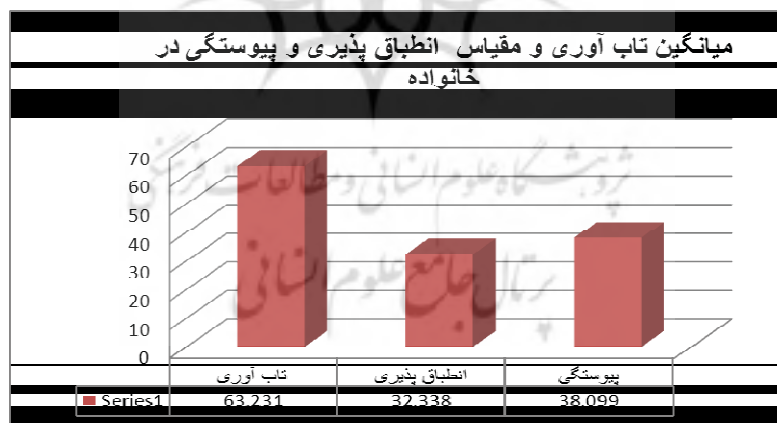
جدول ۴: تحلیل واریانس بین متغیر ملاک (تاب‌آوری) و پیش‌بینی کننده (سبک دلبستگی اجتنابی)

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	محاسبه شده F	سطح معناداری
رگرسیون	۳۰۴۹/۰۳۲	۱	۳۰۴۹/۰۳۲	۳۲/۳۸۰	۰,۰۰۱
باقی مانده یا خطا	۲۰۷۱/۵۹۳	۲۲	۹۴/۱۶۳		
کل	۵۱۲۰/۶۲۵	۲۳			

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، مجموع مجذورات رگرسیون تاب‌آوری دانشجویان دارای سبک دل‌بستگی اجتنابی ۳۰۴۹،۰۳۲ و مقدار F محاسبه شده ۳۲،۳۸۰ با درجه آزادی ۱ و ۲۲ از مقدار F جدول بزرگ‌تر است. ($F_{ob} > F_{cr}$). بنابراین، سبک دل‌بستگی اجتنابی در تاب‌آوری مؤثر است و معناداری کل مدل تأیید می‌شود ($P \leq 0,05$) و می‌توان تاب‌آوری دانشجویان دختر را با توجه به سبک دل‌بستگی اجتنابی آن‌ها پیش‌بینی کرد.

شاخص‌ها	ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد	t	سطح معناداری
مدل	B	خطای استاندارد	β	
دل‌بستگی اجتنابی	-۲۹،۱۸۳	۵،۱۲۹	-۰،۷۷۲	۰،۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، متغیر تاب‌آوری با میزان سبک دل‌بستگی اجتنابی پیش‌بینی می‌شود و مقدار ضریب استاندارد بتا (β) بین دو متغیر تاب‌آوری و دل‌بستگی اجتنابی بیان می‌کند به ازای هر واحد تغییر در میزان دل‌بستگی اجتنابی چه مقدار تاب‌آوری دانشجویان تغییر می‌کند.



نمودار ۲: میانگین تاب‌آوری و مقیاس انطباق‌پذیری و پیوستگی در خانواده

همان‌طور که در نمودار ۲ نشان داده شده است میانگین تاب‌آوری ۶۳،۲۳ و میانگین پیوستگی ۳۸،۰۹. انطباق‌پذیری ۳۲،۳۳ است.

جدول ۵: همبستگی بین متغیرپیش‌بین (انطباق‌پذیری و پیوستگی در خانواده) با متغیر ملاک (تاب‌آوری)

پیوستگی	انطباق‌پذیری	همبستگی پیرسون
۰/۰۴۴	۰/۰۷۸	میزان همبستگی
۰/۳۱۷	۰/۱۹۸	سطح معناداری

همان‌طور که در جدول ۵ نشان داده شده است با توجه به سطح معناداری بین تاب‌آوری و انطباق‌پذیری و پیوستگی در خانواده، رابطه معناداری وجود ندارد. $(F_{ob} > F_{er})$. بنابراین، پیوستگی و انطباق‌پذیری، در تاب‌آوری مؤثر نیست و معناداری کل مدل تأیید نمی‌شود ($P < 0,05$) و نمی‌توان تاب‌آوری دانشجویان دختر را با توجه به انطباق‌پذیری و پیوستگی در خانواده آن‌ها پیش‌بینی کرد. بنابراین، به جهت عدم تأیید معناداری همبستگی متغیر پیش‌بینی کننده (انطباق‌پذیری و پیوستگی در خانواده) با متغیر ملاک (تاب‌آوری)، این رابطه وارد مدل رگرسیون نشده است.

فرضیه دوم: میزان تاب‌آوری، میزان احساس غم غربت را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۶: همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه متغیرپیش‌بین (تاب‌آوری) با متغیر ملاک (احساس غم غربت)

رابطه دو متغیر	تاب‌آوری	احساس غم غربت
همبستگی پیرسون	۱	-۰/۳۲۵
سطح معناداری		۰,۰۰۱
تعداد	۱۲۱	۱۲۱
همبستگی پیرسون	-۰/۳۲۵	۱
سطح معناداری		۰,۰۰۱
تعداد	۱۲۱	۱۲۱

همان‌طور که در جدول ۶ نشان داده شده، در سطح معناداری $P < 0,05$ ، بین دو متغیر، میزان همبستگی $-0,325$ و سطح معناداری $0,001$ است که نشان می‌دهد فرضیه صفر پژوهش رد شده و فرض خلاف تأیید می‌شود، یعنی بین تاب‌آوری و احساس غم غربت دانشجویان دختر

رابطه معناداری وجود دارد. بین میزان تاب‌آوری و احساس غم غربت رابطه معکوس وجود دارد به عبارتی هرچه میزان تاب‌آوری در دانشجویان بیش‌تر باشد احساس غم غربت در دانشجویان دختر کم‌تر می‌شود. و به جهت معنادار بودن رابطه بین متغیر پیش‌بینی کننده (تاب‌آوری) با متغیر ملاک (احساس غم غربت)، وارد مدل رگرسیون شده است که در جداول ذیل ارائه می‌شود.

جدول ۷: خلاصه مدل رگرسیون گام به گام

خطای معیار برآورد	مجدور همبستگی تعدیل شده	مجدور همبستگی	ضریب همبستگی	Model
۱۶,۶۹۵۱	۰,۰۹۸	۰,۱۰۶	۰,۳۲۵	۱

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، مقدار مجدور r تعدیل شده $r^2 = ۰,۰۹۸$ است که نشان می‌دهد مدل مورد استفاده ۹٪ تغییر در نمرات ملاک یا پیش‌بینی شونده (احساس غم غربت) را به حساب آورده است.

جدول ۸: تحلیل واریانس بین دو متغیر ملاک و پیش‌بینی کننده

مدل	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	محاسبه شده F	سطح معناداری
رگرسیون	۳۹۱۵/۱۶۷	۱	۳۹۱۵/۱۶۷	۱۴/۰۴۷	۰,۰۰۱
باقی مانده یا خطا	۳۳۱۶۸/۴۸۶	۱۱۹	۲۷۸/۷۲۷		
کل	۳۷۰۸۳/۶۵۳	۱۲۰			

همان‌طور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، مجموع مجدورات رگرسیون احساس غم غربت دانشجویان ۳۹۱۵,۱۶۷ و مقدار F محاسبه شده ۱۴,۰۴۷ با درجه آزادی ۱ و ۱۱۹ از مقدار F جدول بزرگ‌تر است. ($F_{ob} > F_{er}$). بنابراین، تاب‌آوری در احساس غم غربت دانشجویان مؤثر است و معناداری کل مدل تأیید می‌شود ($P \leq ۰,۰۵$) و می‌توان احساس غم غربت دانشجویان دختر را با توجه به تاب‌آوری آنها پیش‌بینی کرد.

شاخص‌ها	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		سطح معناداری
	B	خطای استاندارد	β	t	
مدل					
تاب‌آوری	-۰/۳۵۵	۰/۰۹۵	-۰/۳۵۵	-۳/۷۴۸	۰,۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، متغیر احساس غم غربت دانشجویان با تاب‌آوری آن‌ها پیش‌بینی می‌شود و مقدار ضریب استاندارد بتا (β) بین دو متغیر تاب‌آوری و احساس غم غربت بیان می‌کند به ازای هر واحد تغییر در میزان تاب‌آوری چه مقدار احساس غم غربت دانشجویان تغییر می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین سبک دلبستگی اجتنابی و میزان تاب‌آوری رابطه معنادار معکوس وجود دارد و سبک دلبستگی اجتنابی پیش‌بینی برای تاب‌آوری است. که با یافته‌های ذیل همسو است. اکبری و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که بین دلبستگی ناایمن اجتنابی و میزان تاب‌آوری رابطه منفی معنادار وجود دارد، هازن و شیور (۱۹۹۸) نشان دادند که در سبک اجتنابی، اجتناب‌گراها ممکن است علاقمند به برقراری روابط عاطفی باشند، اما در هر حال از این نوع روابط ناراضی هستند، تمایلی به برقراری روابط صمیمی درازمدت ندارند و از مهارت‌های اجتماعی بی‌بهره هستند. کوپر و همکاران، (۲۰۰۲) نشان دادند که بین ناایمنی سبک دلبستگی بزرگسالان و شاخص‌های نازسازگاری و درماندگی روان‌شناختی همبستگی قوی وجود دارد. همچنین همسو با نتایج یورلینگز و همکاران، (۱۹۹۶، ۱۹۹۴) است که نشان دادند ناایمنی سبک دلبستگی، عدم سازگاری با شرایط را به همراه دارد و همچنین، آن‌ها نشان دادند که سبک‌های دلبستگی ناایمن به شکل عدم تاب‌آوری، با احساس غم غربت در ارتباط می‌باشد. نتایج این فرضیه در این پژوهش، با نتایج لاروس و باربر، (۲۰۰۱) که نشان دادند تمایلات اجتنابی با ناتوانی در یاری‌طلبی از دوستان، معلمان و کناره‌گیری از دیگران همراه است و نتایج میکولینسر و همکاران، (۱۹۹۳) همسو می‌باشد که نشان دادند اجتناب‌گراها از راهبردهای اجتناب‌گری و ایجاد فاصله استفاده می‌کنند. لذا نتایج این پژوهش و پژوهش‌های

مذکور، گویای این است که در صورت وجود سبک دل‌بستگی اجتنابی در افراد، تاب‌آوری آن‌ها پایین خواهد بود. بنابراین، بر اساس یافته موجود، سازگاری دانشجویان سال اول با شرایط جدید دانشگاهی و خوابگاهی و چالش‌های موجود ضعیف خواهد بود. و در راستای حل مشکلات خود، با توجه به ناتوانی در یاری‌طلبی از دوستان و اساتید و کناره‌گیری از دیگران، و تاب‌آوری ضعیف در مواجهه با چالش‌ها، ممکن است راهبردهای مؤثری را انتخاب نکرده و دچار درماندگی روان‌شناختی شوند. بنابراین، فرضیه اول درباره رابطه بین سبک دل‌بستگی اجتنابی و تاب‌آوری و همچنین پیش‌بین بودن این سبک از دل‌بستگی بر میزان تاب‌آوری دانشجویان بررسی و تأیید می‌شود.

یافته دیگر این پژوهش، نشان می‌دهد که انطباق‌پذیری و پیوستگی در خانواده، پیش‌بینی برای تاب‌آوری نیست و به عبارت دیگر این فرضیه رد می‌شود. نتیجه این فرضیه با تحقیقات آراکیاراج و همکاران (۲۰۱۱)، داوسون و پولی (۲۰۱۳)، اپن شاو (۲۰۱۱) ناهمسو است، نتایج این پژوهش نشان داده است که بین انطباق‌پذیری و پیوستگی در خانواده دانشجویان با میزان تاب‌آوری آن‌ها رابطه وجود ندارد، اگر چه پژوهش‌های مذکور (کیاراج، داوسون و اپن شاو) نشان دهنده رابطه انطباق‌پذیری و پیوستگی در خانواده آزمودنی‌ها با میزان تاب‌آوری آن‌ها بوده است. درحالی که در نتایج پژوهش حاضر چنین رابطه‌ای مشاهده نشده است.

فرضیه دوم این پژوهش نشان می‌دهد که بین میزان تاب‌آوری و میزان احساس غم غربت رابطه وجود دارد و میزان تاب‌آوری، پیش‌بینی برای میزان احساس غم غربت است. به عبارت واضح‌تر، هرچه میزان تاب‌آوری دانشجویان سال اول بیش‌تر باشد، میزان احساس غم غربت آن‌ها کم‌تر می‌شود. که با یافته خادمی و همکاران (۲۰۱۳)، همسو است. همچنین باتنایج پژوهش‌های حسیم (۲۰۱۳)، قنبری و همکاران، (۱۳۸۵) بشارت و همکاران، (۱۳۸۵) همسو است. درواقع با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیقات، و پژوهش حاضر، بین تاب‌آوری شکل گرفته شده بر اساس عوامل محافظتی مانند نوع سبک دل‌بستگی افراد، عوامل حمایتی، با احساس غم غربت رابطه معنادار وجود دارد. به عبارت روشن‌تر، هرچه میزان تاب‌آوری دانشجویان سال اول بیش‌تر باشد، احساس غم غربت آن‌ها کم‌تر خواهد بود.

با توجه به اهمیت میزان تاب‌آوری و تأثیر گذاری آن بر احساس غم غربت دانشجویان سال اول که می‌تواند در سازگاری با محیط و شرایط جدید مؤثر واقع شود، پیشنهاد می‌شود،



در پژوهش آینده، بر سایر عوامل محافظتی در شکل‌گیری و تقویت تاب‌آوری دانشجویان مانند حمایت‌های اجتماعی، کارکردهای خانواده پرداخته شود و همچنین تاب‌آوری خانوادگی نیز در ارتباط با میزان تاب‌آوری دانشجویان سال اول مورد سنجش قرار گیرد، زیرا عوامل متعدد خانوادگی، محیطی و اجتماعی و همچنین شخصیتی می‌تواند مؤثر بر تاب‌آوری و احساس غم غربت باشد و می‌توان با انجام پژوهش‌های مداخله‌ای در حوزه روابط دانشجویان با خانواده و همچنین مداخلاتی مبتنی بر آموزش ارتقاء تاب‌آوری، به بررسی تأثیرپذیری میزان تاب‌آوری دانشجویان به عنوان یک فرایند قابل یادگیری و با قابلیت کاهش و افزایش یافتن به بررسی آن اقدام شود.



منابع

- اکبری، زهرا، وفایی، طیبه و خسروی، صدراله (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و میزان تاب‌آوری همسران جانبازان، *مجله علمی-پژوهشی طب جانباز*، سال سوم - شماره ۱۰. صص ۱۲-۱۷.
- اخوی ثمرین، زهرا، نوابی نژاد، شکوه، ثنایی ذاکر، باقر و اکبری، مهدی (۱۳۹۲). سبک‌های دلبستگی و میزان بخشودگی میان زنان متقاضی طلاق و زنان عادی. *مجله مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان*. سال ۱۱، شماره ۲، صص ۵۵-۸۲.
- بشارت، محمدعلی، فرهادی، مهران و گیلانی، بیژن (۱۳۸۵). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و احساس غربت. *فصلنامه علمی پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز*، سال اول - شماره ۲ و ۳. صص ۲۳-۴۷.
- خویی نژاد، غلامرضا (۱۳۸۷). *روش‌های پژوهش در علوم تربیتی*، چاپ چهارم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- قنبری، نیکزاد، آزاد فلاح، پرویز، رسول زاده طباطبایی، کاظم و فرهادی، مهران (۱۳۸۵). رابطه هوش هیجانی و سبک‌های دلبستگی با احساس غربت. *فصلنامه تازه‌های علوم شناختی*، سال هشتم، شماره ۱ (پیاپی ۲۹)، صص ۲۳-۳۰.
- قربانی، زهره (۱۳۹۱). مقیاس تاب‌آوری کونور و دیویدسون (CD-RISC)، تهران، موسسه آزمون یارپویا (طراح و تولیدکننده آزمون، نرم افزار و محصولات کمک آموزشی علوم رفتاری و رشته‌های وابسته).
- قربانی، زهره (۱۳۹۲). پرسشنامه احساس غربت، تهران، موسسه آزمون یارپویا (طراح و تولیدکننده آزمون، نرم افزار و محصولات کمک آموزشی علوم رفتاری و رشته‌های وابسته).
- کردمیرزانیکوزاده، عزت اله (۱۳۸۸). *الگویابی زیستی-روانی-معنوی در افراد وابسته به مواد و تدوین برنامه مداخله برای ارتقا تاب‌آوری مبتنی بر روایت‌شناسی شناختی و روان‌شناسی مثبت‌نگر*. پایان نامه دکتری دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.
- گلانتز، میردی. هارتل، کریستین آر. (۱۳۸۶). *سوء مصرف مواد: خاستگاه و مداخلات*. ترجمه



گروهی از مترجمان، چاپ اول، تهران: ستاد مبارزه با مواد مخدر. مظاهری، علی، صادقی، منصوره السادات و حیدری، محمود. (۱۳۸۷). مقایسه ادراک و آرمان ساختار خانواده در والدین و فرزندان جوان آن‌ها. فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۳۲۹-۳۵۱. والش، فروما (۱۳۹۱). تقویت تاب‌آوری خانواده (گذر از سختی‌های زندگی). ترجمه محسن دهقانی، محبوبه خواجه رسولی، سمیه محمد و مریم عباسی، چاپ اول، تهران: دانژه.

Arokiaraj , A.S. Nasir R.& wan Shahrazad , W.S. (2011). Gender effect on self – steem ,family functioning and resilience among juvenile delinquents in Malaysia. *World Applied science journal* 12 (special issue of social and psychological 63-73 , 2011.

Atwool, Nicola. (2006). *Attachment and Resilience: Implication for children in care*. child care in practice. 2006: vol 12 , issue 4 , pages:315-330.

Ainsworth, Mary S. (1989). Young people aging out of care: The poverty of theory. *children and Youth services review*. 28: 422-434.

Beavers, W.R . & Hampson, R.B. (1990). *Successful families: Assessment and intervention* ,New York: Norton.

Banato , E.J. (2011). Educational resilience: The relationship between school protective factors and student achievement. San Diego: state university. (Dissertation PhD).

Bates, M. Miles-johnson, T. (2010). first year student resilience as a factor in retention and engagement. school of Criminology and criminal justice. Griffith university. www.fybe.com.

Cooper, M.L., Shaver, P.R. & Collins, N.L. (1998). Attachment styles, emotion regulation and adjustment in adolescen. *journal of personality and social psychology*.

Connor, K.M. & Davidson, J.R.T. (2003). Development of a new resilience scale: The Conner-Davidson Resilience scale (CD-RISC).

Dawson ,michelle. Pooley, julie Ann. (2013). Resilience: The Role of Optimism, Perceived Parental Autonomy Support and Perceived Social Support in First Year University Students. *Journal of Education and Training Studies* Vol. 1, No.

2.

- De Berry, J., Fzili, A., Farhad, S., Nasiry, F., Hashemi, S., & Hakimi, M. (2003). *The Children of Kabul: Discussions with Afghan Families*. United States;Connecticut.
- Eurelings-Bontekoe,E.H,M., Tolsma. A,Verschuur, M.J.,&Vingerhoets, A.J.J.M. (1996). Construction of a homesickness questionnaire using a female population with two type of self reported homesickness: preliminary result. *personality and individual difference*.20.415-421.
- Eurelings-Bontekoe,E.H,M., Vingerhoets, A, J, J.M, & Fontijin, A.(1994). *Pesonality and behavioral antecedents of homesickness and the psychological effects of change and transition*. In S.Fisher & J. Reason (Eds). *Handbook of life stree, cognition and health*. New York:Wiley.
- Everall,Robin D. Altrows, Jessica. & Paulson,Barbara L.(2006). Creating a future: A study of resiliency in suicidal female adolescents. *Journal of counseling*.volume 84, pp 461-470.
- Fisher,s.,&Hood,B.(1988).Vulnerability factors in the transition to university: self reported mobility history and sex difference as factor of psychological disturbance.*British journal of psychology* ,19,309-320.
- Grunert, Susan L. (2008). *The relationship between adult attachment style and resilience factors of hope and positive affect*. CAPELLA UNIVERSITY.dissertation.
- Garmezy, N. (1991). Resiliency and vulnerability to adverse developmental outcomes associated with poverty. *American Behavioral Scientist*,34 , 415-430.
- Garmezy,N. Masten,A,S. & Tellegen,A.(1984). The study of stress and competence in children: A building block for development psychopatology. *Child Development* ,55,pp, 11-97.
- Garmazy,N.& Masten,A.(1991).*The protective role of competence indicators in children at risk*.in E.M.comings, A.L.Green, & K,H.
- Hasim, Tasleem. (2013). *Resilience in a group of first year psychosocial science students at the north university* (Potchefstroom compus).januray 14-16 ,2013.antalya-Turkey.WEI international academic conference proceedings.
- Hawkins–Rodgers,Y.(2007).*Adolescents adjusting to a group home*

environment: A residential model of re-organizing attachment behavior and building resiliency. children and Youth services Review. Artical in press.

- Hauser, S.T.(1999). Understanding resilient outcoms: Adolescent lives across time and generations. *Journal of Research on Adolescence*, 9, 1-24.
- Hazen, C., & Shaver, P. R(1998). Family cohesion and age as determinants of homesickness in university students. *Social Behavior and personality* ,26, 195-202.
- Huffman, L. Mehlinger, S. & Kerivan, A. (2000). Research on the Risk factor for early school problems and selected federal policies affecting childrens social and emotion development and their readiness for school. . The Child and Mental Health Foundation and Agencies Network. (<http://www.nimh.nih.gov/childp/goodstart.cfm>)
- khademi, Ali. Farshi Aghdam, Aliasghar. (2013). The role of personality traits and resilience on homsickness of college students. *procedia-social and behavioral science*. 82(2013) 537-541.
- Kumpfer, K.L.(1999). *Factor and processes contributing to resilience: The resilience framework*. In M.D Glantz & J.L, Johnson (Eds). Resilience development. pp 179-224, New York: Kluwer Academic Publisher.
- Kaplan, H, B. (1999). *Towards an understanding of Resilience: A critical review of definitions and models chapter 3*, in Resilience and development: Positive Life Adaptations, Glantz & Johnson (Eds). New York: Kluwer Academic/Plenum publishers.
- Libenberg & ungar, (2008). *Resilience in action*. Halifax: university of Toronto press..
- Laros, S. & Barber, A. (2001). social support processes: mediators of attachment state of mind and adjustment in late adolescence. *Attachment and Human Development*, 3, 96-120.
- Masten, A. S., Hubbard, J. J., Gest, S. D., Tellegen, A., Garmezy, N., & Ramirez, M. (1999). Competence in the context of adversity: Pathways to resilience and maladaptation from childhood to late adolescence. *Development and Psychopathology*, 11, 143- 169.
- Masten, A. S. (2001). Ordinary magic: Resilience processes in development.

American psychologist,56(3),227-238.

Masten , A.S. (1994). "Resilience in individual development: Successful adaptation despite risk and adversity", pp. 3–25 in M. Wang & E. Gordon (Eds).

Masten, A. S., &Coatsworth, J. D. (1998). The development of competence in favorable and unfavorable environments-lessons from research on successful children, *American psychologist*, 53 (2), 205-220.

Masten ,A.S.,Best,k.m.,&Garmezy,N.(1990).Resilience and development:contribution from the study of children who overcome adversity.*Development and psychopathology* ,2,425-444.

Mikulincer,M.Orbach,L.,& Iavnieli,D.(1998).Adult attachment style and affect regulation: strategies variations is subjective self-other similarities. *Journal of personality and social psychology* ,75,436-448.

Muller, F. A. & Louw, J. (2004). Learning environment, motivation and interest:Perspectives on self-determination theory In *South African Journal of Psychology*,34(2) pp 169-190.

Openshaw,Kristi p.(2011).THE RELATIONSHIP BETWEEN FAMILY functioning , family resilienc,and quality of life among vocational rehabilitation. a dissertation submitted in parital fulfillment of the requirements for the degree of doctorate of philosophy in disability disciplines (Rehabilitation Counseling).

Rutter, M. (1993). Resilience: some conceptual considerations, *journal of adolescent health*, 14, 626-631.

Stein M. (2006). The relationship between post-natal depression and mother – child interaction.*British Journal of Psychiatry*.158: 46-52.

Savenberg, P.O. (1998).Attachment , resilience and prevention. *journal of mental health*.Dec 1998, vol 7 ,pp 543-578.

Strumpfer, D. J. W. (2003). Resilience and burnout: A stitch that could save nine In *South African Journal of Psychology* 33(2) pp 69-79.

Thurber,C.A.,&Walton ,E.A.(2007).preventing and treating homesickness. *Pediatrics* ,119,843-858.

Werner,E,E., & Smith , R. S. (1992). *Overcoming the odds: High – risk children from birth to adulthood*.Ithaca, NY: Cornell University Press.

- Werner, E. E. (1993). Risk, resilience, and recovery: perspective from the Kauai longitudinal study. *Development and psychopathology*, 5, 503-515.
- Waller, A. (2001). Resilience in ecosystemic context: Evaluation of the concept. *American journal of orthopsychiatry*.
- Wasonga, T., Christman, D. E. & Kilmer, L. (2003). Ethnicity, Gender and Age: Predicting Resilience And Academic Achievement Among Urban High School Students. *American Secondary Education* 32(1) pp 62-75.



نویسندگان

مهناز علی اکبری دهکردی

aliakbaridehkordi@gmail.com

دارای مدرک دکتری روان‌شناسی - دانشیار تمام وقت دانشگاه پیام نور تهران - دارای بیش از ۵۰ مقاله ارائه شده در محافل و مجلات علمی - پژوهشی داخلی و خارج از کشور - استاد راهنما و مشاور تعداد فراوانی پایان نامه درمقاطع ارشد و دکتری - دارای چندین کتاب تالیف و ترجمه - درمانگر اختلالات رفتاری کودکان، نوجوانان و بزرگسالان - عضویت در کمیته‌های علمی (پژوهشی منطقه ۱ - مشاوره با رویکرد دینی - انجمن روان‌شناسی ایران - روانشناسی کاربردی بین‌المللی - مشاور کمیته دکترای روانشناسی سازمان مرکزی پیام نور - عضو سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره ایران

اشرف مهمان نوازان

ashraf.mehmannavazan@gmail.com

دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه پیام نور تهران، کارشناس مسئول مرکز مشاوره دانشجویی دانشگاه الزهراء (س). از جمله پژوهش‌های انجام شده: تالیف کتاب خانواده سالم، همکار در پروژه ملی آموزشی و پژوهشی آموزش زوجین، مقالات: بررسی کشمکش نقش در زنان شاغل - بررسی رضایت شغلی در کارکنان دانشگاه الزهراء و دو شرکت صنعتی. - تأثیر مهارت جرات ورزی بر ارتقاء رفتار جرات ورزانه و تفکر انتقادی دانشجویان - و مقالات دیگری که مداخله‌ای است.

علی اصغر کاکو جویباری

دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور. دارای مقالات متعدد در محافل علمی داخلی و خارجی - استاد راهنما و مشاور تعداد فراوانی پایان نامه در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری. عضویت در کمیته‌ها و انجمن‌های علمی متعدد.